

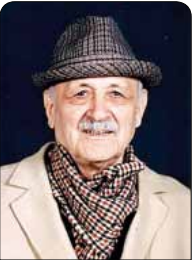


روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، ۸۸۸۸۰۷۱۹-۱، تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز - تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵
چاپ: روز تاب، جاده مخصوص کرج، نج زرین شماره ۴ - تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷
www.sharghnewspaper.ir
تهران : اذان ظهر۱۳:۱۰اذان مغرب ۲۰:۲۸ اذان صبح فردا ۴:۱۳ طلوع آفتاب ۵:۵۴

یکشنبه ۱۳۹۰ اردیبهرد ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۳۲ - ۲۲ می ۲۰۱۱ - سال هشتم - شماره پیاپی ۱۲۵۲ - شماره ۳۲۸ دوره جدید - ۲۰ صفحه

رونمایی از تندیس عبدالحسین زرین کوب

ایستنا: تندیس عبدالحسین زرین کوب در بروجرد رونمایی شد. نادر ارجمندی، رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بروجرد با اعلام این خبر افزود: با حضور حجت‌الاسلام علی اسماعیلیان، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان در محل مجتمع فرهنگی و هنری عبدالحسین زرین کوب، از تندیس این استاد نامی ایران و فرزند برومند بروجرد رونمایی شد. او همچنین گفت: این اثر هنری توسط ابراهیم پای‌راد، یکی از هنرمندان توانمند ساخته شده است.



یادداشت

نقاب

هادی حیدری



■ ترافیک، سنگین است. ماشین‌ها هر چند ثانیه حرکتی لاک پشتی دارند. از شدت دود و گازوییل، شیشه را بالا کشیده‌ام تا شاید از این مهلکه نجات پیدا کنم. مرد، با لذت تمام، توت‌های سفید روی درختان کنار اتوبان را دانه‌دانه می‌کند و مشت‌مشت می‌بلعد؛ بی‌آنکه به رانندگان و سرنشینان خیره نگاه کند، حتی بدون مکثی. از خودم می‌پرسم آیا می‌داند که چقدر سرب و دوده بر روی توت‌ها نشسته است؟ اما سوال من برای او چه اهمیت دارد. مهم آن است که دارد لذت می‌برد.

از گالری رفتن بی‌زارم. اگر مجبور نباشم، رفتن به گالری‌ها برایم خوشایند نیست. فرار می‌کنم از دیدن آدم‌هایی که خودشان نیستند، ادا در می‌آورند. خنده‌های مصنوعی، سلام‌های مصنوعی و ادبیاتی که برای خودشان نیست. یک جور احساس غربت به من دست می‌دهد. بیرون که می‌آیم، انگار ساعتی از سرزمین دیگری سیر می‌کردم.

وقتی پسر و دخترش را می‌بینی، می‌خواهی از تعجب شاخ در بیاوری! انگار اینها بچه‌های همان آقا یا خانمی نیستند که در محیط کار، تظاهر به تفکر خاصی می‌کنند. لباس پوشیدنشان، حرف زدنشان، عقایدی که ابراز می‌کنند یا چیزهایی که خودشان را به آنها مقید نشان می‌دهند، بچه‌هایشان را که می‌بینی، می‌فهمی که آن ظواهر، برای تو و دیگران بوده است.

همین‌طور که خیره به مرد، با حرکت لاک پشتی، عبور می‌کنم چشم‌م روشن قفل می‌شوند. مرد، مشتش را که پر از توت سفید است، در دهان می‌گذار و لیخندی از سر شوق به من تحویل می‌دهد. به این فکر می‌کنم که لذت مرد از آن روست که آنچه را که می‌خواهد، انجام می‌دهد. «خود واقعی» اش است. تظاهر نمی‌کند. به این فکر نمی‌کنم که دیگران درباره‌اش چه پندبیشند. او لذت لحظه را درمی‌یابد و از آن رو، سرخوش است. کاش با خودمان رو راست بودیم.



برداشت
آخر

رابطه بازیگری با مربی گری فوتبال

با دستمزدهای نجومی بازیگران تلویزیون بر خورد می‌شود؟

سعیده خدابخش

این روزها بحث دستمزد بازیگران نقل محافل است، وزارت ارشاد طی بیانیهای اعلام کرد که ستاره‌های سینما اجازه ندارند قراردادهای نجومی ببندند و در صورت مشاهده با آنها برخورد خواهد شد. از سویی هرگز از سمت وزارت ارشاد و حتی سینمایی‌ها متر و معیار دستمزد این بازیگران مشخص نشده است و این سوال کماکان برای سینمادوستان باقی مانده است که دستمزد بازیگران بر چه اساس و توسط چه کسانی مشخص می‌شود. نکته قابل تامل این است که از سوی ارشاد این مساله صرفا راجع به سینمایی‌ها مطرح شده است و در مورد بازیگران تلویزیون تذکری داده نشده است؛ قبلا بارها درباره سریال‌های تاریخی- مذهبی مشاهده شده‌است که دستمزدهای بازیگران تلویزیونی هم کم از سینمایی‌ها ندارد. ارشاد محدودیتی برای بازیگران تلویزیونی مطرح می‌شود یا به صرف اینکه سریال تاریخی یا مذهبی است می‌تواند دستمزدهای نجومی را برای بازیگران در نظر بگیرد. سریال «مختارنامه» از همان ابتدای ساختاش با اما و اگرهای مختلف روبه‌رو شد و امروز نوبت پرمیدرداری از دستمزدهای باورنکردنی بازیگران نقش اصلی‌اش رسیده است. فریبرز عرب‌نیا به گفته خودش در برنامه هفت شفاف‌سازی و اعلام می‌کند که ۶۰۰ میلیون تومان از پروژه مختارنامه دریافت کرده است. این بازیگر

زایوه

این کجا و آن کجا؟

تصام معماری بی‌نظیر خیابان هدایت را.. به.. از وقتی که به‌تقلیب آدم‌ها، درددم بیشتر شده. بیشتر برای شهرهای کشورم غصه می‌خورم که چه بر سرشان آمد در شهر تقلیب یک بافت فرسوده دارند که همان شهر قدیم تقلیب است. طوری آن را درست کرده‌اند که قیمت زمین و ساختمان در آن سر بهفلک زده است. چرا؟ در کنار شهر قدیم تقلیب، شهرسازی مدرنی شکل گرفت که گهگاهی، همین معماری دوران قاجار بر آن تاثیر گذاشت که فعلا با آن کاری ندارم. جریانی که امروز در حال بروز است، این است که بناهایی در این بافت سرپا هستند ولی بناهایی هم هستند که دیگر نگهداری آنها کمی مشکل شده است. هنگامی که در شهر قدیم تقلیب از این معماری عکاسی می‌کردم، متوجه شدم که تعداد زیادی خانه‌های نوساز در این منطقه وجود دارند که مشابه همان ساختمان‌های قدیمی هستند. تعجب می‌کردم. نمی‌دانستم که این عشق مردم است بهاین معماری، یا شهرداری در این جریان دست دارد. هفته پیش، با خانم ایرنا کوشوری‌دزه، که مسوول بخش شرقی موزه هنر تقلیب است و با برادرم شه‌ریار عدل دوستی نزدیک دارد، ملاقاتی داشتم. ایشان درباره معماری دوران قاجار گرجستان تحقیقاتی کرده و مقالات بسیاری در این‌باره نوشته است. جریان این نوسازی را از او پرسیدم. بهمن گفت که اهالی تقلیب بداین نوع معماری علاقه‌مند هستند. ولی شهرداری تقلیب هم آنها را مجبور می‌کند که در بازسازی‌ها و نوسازها، این سبک معماری را رعایت کنند. در بافت فرسوده تقلیب، کوچهای است بهنام «شاردن». این شاردن، همان شاردن فرانسوی خودمان است که در دوران شاه عباس در ایران و اصفهان زندگی می‌کرد. مدتی هم در همین کوچه، در تقلیب زندگی می‌کرد. امروز، کوچه شاردن را طوری درست کرده‌اند که محل تمام بوتیک‌ها و رستوران‌ها و کافه‌های شیک تقلیب شده است. از بد حادثه، ملو از توربست است. بافت فرسوده تهران و تقلیب، هر دو فرسوده‌اند. ولی این کجا و آن کجا؟

■ ■ ■

تضاد در رنگ و نور

شرق: نمایشگاه گروهی عکس با عنوان «تضاد» از دیروز کار خود را در گالری کهنی آغاز کرد. این نمایشگاه برگیرنده بیش از ۳۰ اثر از سه عکاس جوان است که تجربیات خود را در زمینه بازی با نور و رنگ در عکاسی به نمایش گذاشته‌اند. لیلا سرلک، مهسا ممیزی و تیرداد دهقانی نخستین نمایشگاه خود را در این گالری برگزار کرده‌اند. هر یک از این عکاسان زمینه‌مورد علاقه خود را در کارها دنبال کرده اند و از این رو یک تضاد کلی نیز

■ ■ ■

نگاه

یک مستندساز

آب را بیشتر گل نکنیم

مرتضی شاملی

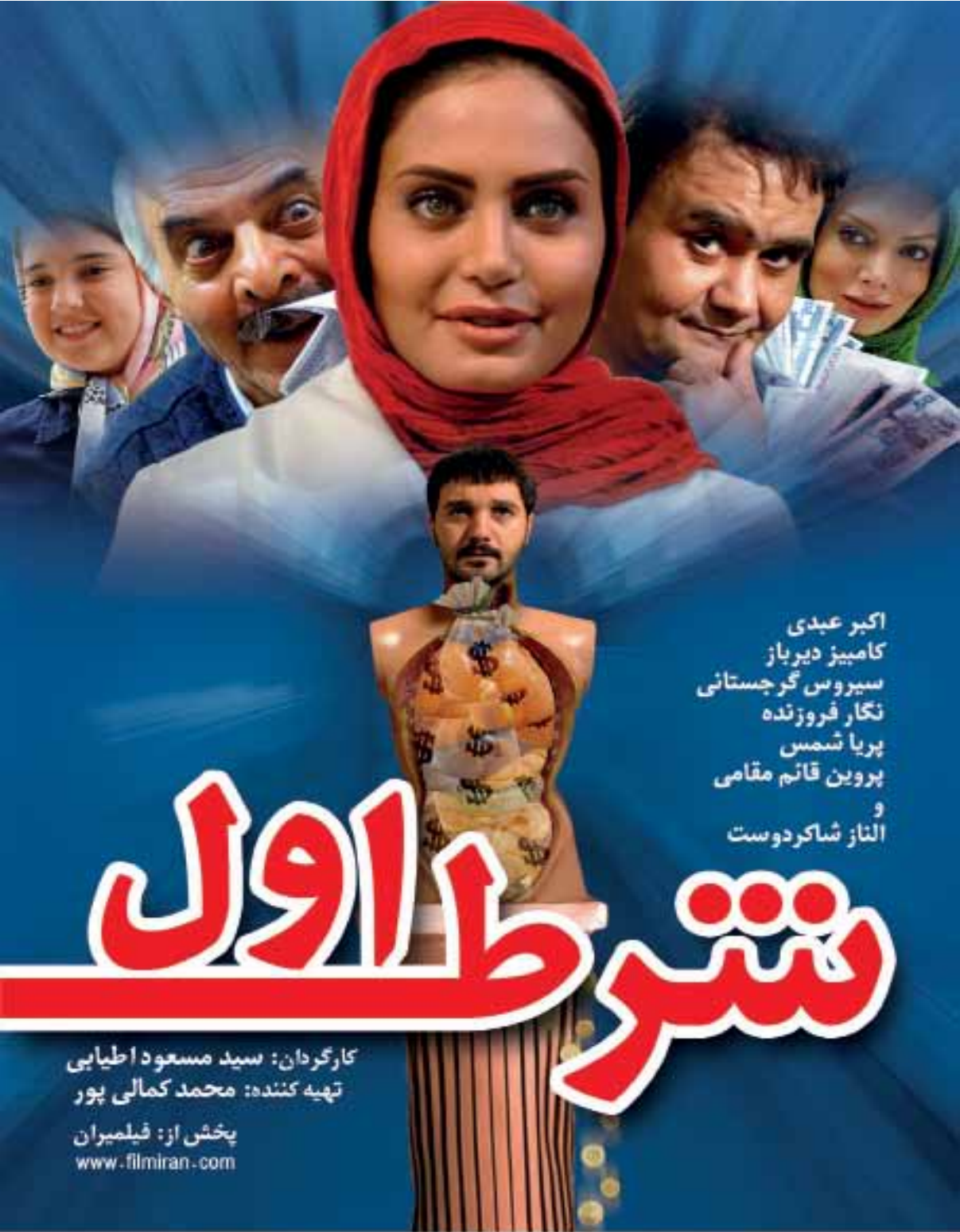
■ دعوا، تکنید. اصل قضیه هنوز جای حرف دارد. چه لزومی دارد که تعداد وزارتخانه‌ها را کم کنید؛ چرا نباید زیاد کنید؟ اصلا مگر با کم و زیاد کردن آنها کارها درست می‌شود؟! همین وزارت نفت که بی‌تعارف هستی اقتصاد مملکت به آن بسته است، حالا که مستقل است چه گلی به سر چاه‌های نفت زده است؟ صحبت از مرگ تدریجی چاه‌ها و حوزه‌های نفتی است و کارهایی که باید برای‌شان می‌شده و نشده وای به وقتی که استقلالش را هم بگیرند و آن را زیر چتر یا ادغام وزارتخانه عریض و طویل و متفلوتی مثل وزارت نیرو هم ببرند! آن‌وقت نه این را خواهیم داشت و نه آن را. همین‌طور وزارتخانه‌های دیگر نمی‌خواهم حرف‌های تکراری بزنم. دیدم‌ام و خواندم‌ام که این روزها هستند کسانی که نه از سر سیاست – که این سیاست و سیاست‌بازی آفتی شده برای این مملکت- بلکه از سر علاقه و دلسوزی کالافاند از این تصمیم‌های دور از ذهن و عجیب، حرف‌های‌شان را هم در روزنامه‌ها نوشته‌اند. من می‌خواهم بگویم در دنیایی که نزدیک به یک قرن است همه چیز به سمت و سوی تخصصی شدن رفته و می‌رود، فله‌ای دیدن کارها و درهم کردن آنها – آن هم کارهایی که هیچ معنایی و هم جنسی با هم ندارند- چه مفهومی دارد؟ بودجه‌نویسی‌های دفترچاهی، تغییرات و ادغام‌ها تا کی باید شاهد این آزمون و خطاهای بی‌محیا بود. تعداد و رقم وزارتخانه‌ها مشکل مملکت نیست مگر با کم شدن آنها حجم دولت کم می‌شود؟ مگر با ادغام آنها تعداد کارمندان کم می‌شود؟ مگر با آمدن ۱۷ وزارتخانه به جای ۲۳ وزارتخانه مدیری‌تها و معاونت‌های آنها هم کم می‌شود؟ نه، نمی‌شوند! پیچیده‌تر و بدتر هم می‌شوند. پس چه باید کرد؟ این سوالی است اساسی که در درجه اول باید مسوولان به آن پاسخ دهند. علاوه بر پاسخ باید جوابگوی پیامدهای آن هم باشند. یادم می‌آید اوایل سال‌های ۵۰ یکی از دوستان که آرشیکت است، می‌گفت، وقتی خواستند یک طرف حرم رضوی را باز کنند این خطر بود که ستون‌های آن قسمت حرم آسیب ببینند و نتوانند بار و سنگینی سقف گنبد را تحمل کنند و فاجعه‌ای به بار آید. مقاطعه‌کار، آرشیکت، مهندس عامل و مهندس ناظر را می‌پرند و از آنها روی جان و مالشان و هر آنچه می‌توانست ضمانتی برای درستی کارشان باشد تعهد می‌گیرند. هنوز هم نمی‌دانم این داستان تا چه حد درست است. می‌شود پرسید، اما اساسا پر بیراه هم نیست. اشکال اساسی کارهای ما این است که هر کس آمد سرکاری، اگر خراب کرد بعدا دیگر جوابگو نیست. گویا رسم بر این است که کسی هم دیگر با او کاری نداشته باشد. جلسه تودیمی بگیرند و خداحافظی کنند و برود به امان خدا. این درست نیست. به اصل موضوع برگرد. خلاصه اینکه اگر اشکال یا اشکالاتی در تشکیلات دولت بوده و هست مربوط به تعداد وزارتخانه‌ها نیست، اشکال در هزینه کردن‌های سیاسی است، به‌جای هزینه کردن‌های حرفه‌ای و تخصصی در همه وزارتخانه‌ها، اشکال در تورم کارکنان و نبود آموزش و کارایی پایین است، اشکال در مدیریت‌های ناآشنا با زیرمجموعه‌هایشان است و قس علیهذا. حرف زیاد است. بیایید آب را بیشتر گل نکنیم!

خبر

از سوی موسسه نیکوکاری مهرآفرین

ششم خرداد اهدای نشان ویژه نیکو کاری

■ موسسه نیکوکاری مهرآفرین، دومین دوره مراسم دوساله‌انه اهدای نشان ویژه نیکوکاری را ساعت ۵:۳۰ عصر روز جمعه ششم خرداد ۱۳۹۰ در سالن اریکه ایرانیان برگزار خواهد کرد. موسسه نیکوکاری مهرآفرین در مسیر گسترش فعالیت‌های فرهنگی خود و ترویج مبانی معنوی امر «مهرورزی و نیکوکاری»، طی مراسمی ویژه برای دومین دوره متوالی اقدام به معرفی و تجلیل از نیکوکاران شاخص سال‌های دور و نزدیک خواهد کرد. به همین منظور و از مدت‌ها قبل، جمعی از کارشناسان این مجموعه، در حال جمع‌آوری ریزاطلاعات و شناسه‌هایی از نیکوکاران اصناف مختلف بودند و هم‌اینک با جمع‌بندی نهایی به فهرستی جامع و منتخب از «خیرین مدرسه‌ساز»، «واقفان بزرگ»، «بنیان‌گذاران خیریه‌های معروف» و «هنرمندان» و «ورزشکاران» نیکوکار برگزیده سال ۱۳۹۰ رسیده‌اند و قرار است ساعت ۵:۳۰ عصر روز جمعه ششم خرداد ۱۳۹۰ در سالن اریکه ایرانیان و طی مراسمی ویژه به چهار نفر از جدی‌ترین این افراد، نشان ویژه نیکوکاری تعلق گیرد. این مراسم با حضور جمعی از مدیران و مسوولان شهری، مدیران شرکت‌های موفق حوزه تجارت و بازرگانی و تعداد زیادی از هنرمندان برگزار خواهد شد؛ همچنین ضمن تجلیل از نیکوکاران شاخص، از جمعی از حامیان و یاوران موسسه نیکوکاری مهرآفرین با اهدای تندیس «مهر»، تقدیر به عمل می‌آید.



برنامه امشب سینماهای: آزادی، عصر جدید، پردیس ملت، پردیس زندگی، اریکه ایرانیان، مرکزی، ایران، شاهد پردیس قاشما، پردیس شکوفه، پردیس راگا، آستارا، ماندانا، پیام، کارون، حافظ، پردیس رازی، جی و فرهنگسرای اشراق